

## متن مقاله حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای غلامرضا مصباحی

قائم مقام دفتر همکاری حوزه و دانشگاه

### بسمه تعالی

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد و آله الطاهرين هفته مبارک بانکداری اسلامی است، به همة مسئولین محترم بانکی و به همة سروران و عزیزانی که به صورت جدی در پی اجرای بانکداری اسلامی هستند تبریک و تهنیت عرض می‌کنم. سال ۱۳۶۳ آغاز اجرای قانون بانکداری بدون ربا در کشور ما است، جا دارد پس از دهسال، عملکرد این بانکداری از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گیرد، از زاویه قدرت جذب نقدینگی و اعطای تسهیلات و اعتبارات، به عبارت دیگر از زاویه کارآیی و زاویه دیگری که نقطه نظر این مقاله است یعنی از زاویه انطباق این عملکرد با قانون مصوب. دو سال پیش در سمینار بانکداری که در مرکز آموزش بانکداری برگزار شده بود مقاله تحقیقی را ارائه کردم که حاصل یک تحقیق دو بعدی تئوریک و کاربردی درباره بانکداری در کشورمان بود و آنجا نکاتی اساسی مطرح شد. آنچه در این مقاله خدمتان عرض می‌کنم پاره‌ای از مطالبش تکرار مسائل گذشته و تأکید بیشتر بر آن مسائل است و پاره‌ای دیگر مسائلی است که طی یکی دو سال گذشته به آن بیشتر رسیدیم. ابتدا لازم است عرض کنم قانون بانکداری بدون ربا که مجلس محترم تصویب کرد و شورای نگهبان تأیید کردند، قانونی است که از نظر انطباق با شرع و فتاوی مشهور فقهی بدون اشکال است. حضرت آیه‌الله رضوانی مکرر این مسأله را مطرح کرده‌اند که ما سعی کردیم این قانون با نظریات فقهایی که زنده هستند و مرجع تقلید مردم به حساب می‌آیند تطبیق پیدا کند، حتی اگر در مواردی امام رحمه‌الله علیه مسأله‌ای را

اجازه داده بودند ولی بعضی دیگر از مراجع تقلید اجازه نداده بودند، دایرة کار محدودتر گرفته شد تا مورد اتفاق مراجع حاضر باشد، در این باره ما هم یک تیم کاری گذاشتیم که دقیق بررسی کنند، با فتاوی فقهای مهم زمان مانند مرحوم آیةالله گلپایگانی، مرحوم آیةالله خوئی و امام رضوان الله تعالی علیهم تطبیق بدهند، دیدیم از جهت انطباق با فتاوی این بزرگان، در این قانون مشکلی نیست و از این جهت بسیار خرسندیم. نتیجه اجرای این قانون در بانکداری بدون ربا این است که بانک به مثابه یک بنگاه اقتصادی باید یا مستقیماً وارد عملیات اقتصادی بازار بشود، یا به صورت غیرمستقیم با دادن اعتبارات کافی به اشخاص، به شرکتها و به سایر نهادهای حقوقی وکالت دهد و اینها را وارد عملیات اقتصادی بازار کند، سود ناشی از عملیات اقتصادی بازار برگردد به بانک، بخشی از این سود به دست کسانی می‌رسد که مستقیماً وارد کار و فعالیت اقتصادی شده‌اند، بخشی از این سود هم به بانک و سپرده‌گذاران برمی‌گردد. اگر ما بر اساس این قانون عمل کنیم، باید با این اعتبارات، فعالیت اقتصادی (تولیدی و خدماتی) در بازار و مراکز اقتصادی انجام بگیرد، و سود حاصل از آن فعالیتها برگردد. در اینجا یکی از فوائد این نوع بانکداری این است که فاصله بین بازار پول و بازار حقیقی کالاها و خدمات برطرف خواهد شد. این یکی فایده اقتصادی ارزشمند است. می‌دانیم بسیاری از مشکلات اقتصادی امروزه ناشی از جدایی این دو بازار است و اینکه بازار پول تابع بازار کالاها و خدمات نیست. اگر این شیوه در بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی پدید بیاید، این نتیجه اقتصادی ارزشمند هم گرفته می‌شود و بسیاری از علل تورم در این قضیه از بین می‌رود و حجم بی‌حساب نقدینگی، گردش پول در میان دستها، بدون فایده اقتصادی به تدریج از بین می‌رود. اما اگر مکانیزم نرخ بهره را بکار بگیریم، چنین اثر ارزشمندی بر آن بار نیست، زیرا بازار پولی مستقل پدید می‌آید یعنی تقاضای پول، مستقل از تقاضای کالاها و خدمات خواهد بود. از این جهت بسیاری از مشکلات اقتصادی را هم به دنبال خود دارد. آنچه در مقام عمل در سیستم بانکداری جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۶۳ به این طرف پدید می‌آید تا حدود زیادی، متفاوت بود با قانون بانکداری بدون ربا، این را در آن تحقیقی که به صورت میدانی انجام گرفت، به روشنی ما درک کردیم، البته آن تحقیق را به محضر بعضی از بزرگان از جمله ریاست محترم جمهوری دادیم. چون مناسب نبود آن را در دست عامه مردم بگذاریم، احیاناً مورد سوءاستفاده بعضیها قرار می‌گرفت. ما می‌خواهیم واقعاً نظام بانکداری در جمهوری اسلامی سالم‌سازی بشود، نمی‌خواهیم غوغاسالاری راه بیاندازیم. از این جهت این تحقیق را در حد بسیار محدودی تکثیر کردیم، در اختیار معاونت محترم اقتصادی وزارت اقتصاد و دارایی که کارفرمای آن تحقیق بود گذاشتیم و در اختیار ریاست محترم جمهوری و بعضی از اعضای محترم شورای نگهبان. آن تحقیق به ما نشان داد که مردمی که به بانکها مراجعه می‌کنند تفاوت کافی بین بانکداری بدون ربا و بانکداری ربوی را درک نمی‌کنند، بلکه احساسشان این است که بانکداری ماهیتاً تغییری نکرده و به

این سؤال که هم از کارمندان بانک شده بود و هم از مراجعین به بانک که چه تفاوتی بین بانکداری بدون ربا و بانکداری ربوی هست؟ اکثراً پاسخشان این بود که فرقی ندارد و بعضیها پاسخشان این بود که سود و بهره در بانکداری بدون ربا بیشتر از بانکداری ربوی است. اینجا نرخ بهره بیشتر است. بر اساس آمار به دست آمده تنها ۲۹/۷ درصد از مراجعین بانک و ۵۵/۸ درصد از کارمندان بانک آشنایی اجمالی و بسیار محدود نسبت به قانون عملیات بانکی بدون ربا دارند. از ۱۰۰ نفر مراجعه کننده، ۶۷ نفر هیچگونه تفاوتی بین بهره و سود نمی‌شناخته‌اند. ممکن است پرسید چه اشکالی دارد کسانی که مراجعه به بانک می‌کنند اطلاع کافی از اینکه چه عملی دارد انجام می‌گیرد نداشته باشند؟ اولاً اشکال این مسأله این است که آن قصد و نیتی که باید در موقع اعطای سپرده یا در موقع گرفتن پول از بانک داشته باشند، آن قصد و نیت تحقق پیدا نمی‌کند و تفاوت بیع و ربا هم تا حدود زیادی به تفاوت قصد آنان برمی‌گردد. یعنی علاوه بر اینکه احیاناً از نظر عملکرد تفاوت‌هایی دارند. نیت کسی که وارد معامله می‌شود در این قضیه مؤثر است و آثار روانی و اخلاقی هم دارد که به آن اشاره می‌کنم. ما عملیات بانکداری را در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توانیم به دو بخش تقسیم کنیم. یکی عملیاتی که در آنها شبیه به بیع اقساطی و معاملات سلف، پیش‌بینی مقدار افزایش سود امکان دارد. یعنی می‌توانیم بگوئیم این ساختمان را خریده‌ایم به مبلغ پانصد میلیون تومان، اقساطی می‌فروشیم ششصد میلیون تومان. از این جهت مشکلی نیست یک سری دیگر از معاملات بانکی که پیش‌بینی شده در قانون، مواردی است که سود عملیات قابل پیش‌بینی نیست، مثل مضاربه، مشارکت، مزارعه و مانند آن. مضاربه در مورد تجارت بکار برده می‌شود و تجارت سودش از قبل قابل حدس هست. اما قابل تطبیق قطعی نیست. باید صبر کرد تا فعالیت بازرگانی تحقق پیدا کند، سود معاملات محاسبه شود. البته از قبل می‌توان تخمین و حدس زد. آنچه در قانون در مورد یک چنین عملیاتی مطرح شده، تعیین حداقل و حداکثر سود جهت برآورد کارشناسی پروژه اقتصادی است، یعنی پروژه اقتصادی را باید از پیش کارگزار بانک ارزیابی کند، اگر در آن سقف و کفی برآورد شد که بانک مرکزی یا شورای پول و اعتبار تعیین کرده است با آن پروژه موافقت و تأمین اعتبار کند، نه اینکه آن سقف یا کف تعیین شده را مبنای نرخ سود مورد مطالبه بانک بدانند. در هر دو شق کار بانک مشکلاتی در عمل به چشم می‌خورد. در آن نوعی که معاملات بانکی از نظر سود قابل پیش‌بینی است مثل بیع اقساطی و معاملات سلف، مشکلی که به چشم می‌خورد، صوری بودن معاملات است یعنی بسیاری از مراجعین به بانک برای یک فعالیت اقتصادی دیگر یا احیاناً برای مصرف، تقاضای پول می‌کنند، مشاهده می‌کنند که به بانک جز در قالب‌های خاصی به آنان اعتبار نمی‌دهد، از این رو در قالب مورد نظر خواسته خود را مطرح می‌کنند. از آن جهت که انگیزه و دقت کافی برای کنترل اینگونه موارد وجود ندارد، می‌بینید که اقدام به قبول این تقاضا و گشایش اعتبار و اعطای اعتبار صورت می‌گیرد. اما نتیجه چیست؟ نتیجه این

است که کشاورز تقاضای پول به عنوان خرید تراکتور می‌دهد اما واقع این نیست، می‌خواهد مثلاً هزینه عروسی را تأمین کند. فاکتوری را درست می‌کند و یا حتی در موارد زیادی مشاهده شده که کارگزار بانک راهنمایی می‌کند و می‌گوید شما بروید یک فاکتور بیاورید در برابر همان فاکتور ساختگی پول را می‌دهد. نتیجه این است که این سود، سود فعالیت اقتصادی نیست و بانکداری بدون ربا، آن ارتباط تنگاتنگی که بین بازار کالاها و خدمات و بازار پولی باید فراهم کند نمی‌تواند فراهم کند. از نظر فقهی و شرعی هم نه آن تقاضایی که او کرده، تقاضای بجایی است و نه مساعدتی که بانک کرده مساعدت درستی است و در واقع به بانکداری بدون ربا یک صورت شرعی داده‌ایم، نه واقعیت شرعی.

در همین رابطه شخصی به من گفت من نمی‌دانم شما کی هستید؟ چون روحانی هستی می‌خواهم این درد دل را بگویم که مشکل بانکداری ما تا کی نمی‌خواهد حل شود؟ گفتم شما چکاره‌اید؟ گفت مسئول یک شعبه بانک هستم. در مقابل پیشنهاد صوری و فاکتورسازی مقاومت می‌کنم، ولی از نظر شغلی در خطرم چرا که بسیار از مسؤلان بانک این راه را طی می‌کنند وضعیت کار بانک آنها هم خوب است. روستا شعب، استان یا شهرستان هم نسبت به آنها بهتر مساعدت می‌کنند اما من وجدانم اجازه نمی‌دهد ذره‌ای از اینگونه عملیات خلاف را بپذیرم. یک اشکال دیگر هم دارم و آن این است که درآمد من حاصل از عملیاتی این چنین است که واقعیت ربوی و صورت غیرربوی دارد. من گفتم پیام شما را در سمینار می‌گویم، به عنوان یک برادری که متعهد هستی و علاقمند هستی به پیاده شدن بانکداری بدون ربا. شاید انشا... در مقام عمل اقدامی صورت بگیرد. این توضیح اشکال شق اول مربوط به عملیاتی است که راه شرعی خیلی روشن دارد، زیرا از قبل می‌توانیم ۱۰٪، ۲۰٪ سود در نظر بگیریم، هیچ فقهی هم اشکال نمی‌گیرد، متأسفانه این را به شیوه‌ای در مقام عمل بکار می‌گیریم که شیوه‌ای غیرمشروع است. مثل این می‌ماند که کسی از راه زحمتکشی لقمه حلالی را بدست آورد آن را آلوده کند به چیزی غیرمشروع و به صورت حرام بخورد. آن بخش دیگری که سود آن قابل پیش‌بینی نیست، مشکل دیگری دارد و آن این است که آن سقف یا کفی که از سوی بانک مرکزی و یا شورای پول و اعتبار برای بانکها تعیین می‌شود جهت ارزیابی اقتصادی پروژه، به عنوان مبنای اخذ سود از مراجعه‌کننده تلقی می‌شود. یعنی در مضاربه اگر دیدید فعالیت تجارتي حداکثر ۲۴٪ سود دارد با آن موافقت کنید. این ۲۴٪ یا کمتر و بیشتر را کارگزار بانک به عنوان چیزی که بانک باید به هر حال بگیرد، تعیین می‌کند. این یک مشکل است و چیزی که قابل پیش‌بینی قطعی نبود، به صورت پیش‌بینی قطعی تعیین می‌شود و از او گرفته می‌شود. اینجا لازم است به یک نکته اشاره کنم، آن نکته این است که حتی گاهی در تعابیر مسئولین محترم بانک، نشان آن است که حذف ربا مدنظر نیست. گاهی می‌گویند تأمین اعتبار برای فلان رشته اقتصادی را قبول می‌کنیم با فلان درصد بهره، تعبیر بهره آورده می‌شود، یا اعطای تسهیلات را به عنوان وام اسم می‌برند. می‌دانیم وام در زبان

فارسی معادل قرض است. حالا چه قرض ربوی، چه قرض غیرربوی. در اطلاعاتی‌های بانکها، گفتگوهای مسئولین محترم، کلمه وام را بکار می‌برند، وام جعاله، مگر جعاله وام دارد؟ وام مشارکت مدنی، مگر مشارکت مدنی وام دارد؟ این تعبیرها نادرست است، بعضی جاها به جای بهره کارمزد را به کار می‌برند. مثلاً کارمزد ۱۵٪، از طرف دولت یا نهادهای اقتصادی برای تسهیلات خاصی تعیین می‌کنند و می‌گویند، دولت بزرگواری کرده ۵٪ و ۷٪ یا ۱۰٪ از این کارمزد را از خزانه می‌دهد مگر کارمزد این مقدار هاست، آیا مزد کار جمع‌آوری نقدینگی و تجهیز اعتبارات ۱۵٪ است که حالا مقداری را ببخشند، یا از راه دیگری تأمین کنند. تعبیر کارمزد هم در این موارد تعبیر نادرستی است. البته خواهید گفت که واقعاً بانکداری بدون ربا به صورت اساسی مشکلاتی دارد. قبول می‌کنم مشکلات دارد، اما باید دقیقاً به آن عمل کرد، مقداری که زمان بگذرد این مشکلات به تدریج آسان می‌شود، ابتدا به طور کامل پیاده کنید، سپس بگویید مشکلاتش چیست و به فکر بیفتید که چگونه آنها را حل کنید، ما به بانکداری اسلامی اجازه بدهیم پیاده شود. بعد بگوییم اینجای‌های آن اشکال دارد الان عده‌ای از نظرها گرایش دارد به سمت اینکه بانکداری اسلامی موفق نیست، آیا ما آن را پیاده کرده‌ایم که می‌گوییم موفق نیست، به نظرم می‌آید این سمینار ارزشمند باید در صدد اصلاح بانکداری به طور جدی باشد، ما غافل نباشیم از مسئولیتی که در این نظام داریم. اگر پولی که از مردم می‌گیریم و حاصل دسترنجشان و حلال است وارد سیستم بانکی کنیم، با این روش فعلی حلال مردم را حرام کردیم، مردم هم مسئول نیستند، به بنده بسیار مراجعه می‌شود، از طلبه‌ها و غیرطلبه‌ها، زیرا می‌دانند در این زمینه مقداری کار کردم، می‌گویند سپرده‌گذاری در بانک‌ها چطور است؟ می‌گویم اشکال ندارد. می‌گویند گرفتن سود از بانک چطور است؟ می‌گویم برای شما اشکالی ندارد، زیرا پولی که وی می‌گیرد دقیقاً نمی‌دانیم این پول، حرام باشد وقتی که یقین نداریم نسبت به او اصل برائت جاری می‌کنیم می‌گوییم اشکالی ندارد، اما عرض می‌کنم مسئولین محترم بانک با اشکال روبرو هستند. چون با تمام اطراف شبه روبرو هستند مناسب است یک تمثیلی بیاورم. می‌گویند اگر دو ظرف باشد که می‌دانیم یکی از آنها آلوده به نجس است اما نمی‌دانیم کدامیک ولی یک ظرف اینجاست و یک ظرف دیگر منتقل شده به شهر دیگری چون نمی‌دانیم کدامیک است و با دو طرف علم اجمالی هم روبرو نیستیم، استفاده از این ظرف برای ما اشکالی ندارد اما اگر با هر دو طرفش روبرو باشیم، از هر دو طرف باید پرهیز کنیم، هر یک از آحاد مردم با تمام پولهای بانک روبرو نیست، از این جهت برای آنها تصرف در پولی که شخصاً دریافت کرده‌اند اشکالی ندارد، اما بانک با همه این پولها روبروست تصرف بانک در همه این پولها اشکال دارد. همه تأکیدی که قرآن در مورد تحریم ربا دارد و رباخواری را جنگ با خدا و رسول دانسته؛ ما سبک شماریم. بسیاری از آثار و مشکلات اقتصادی که امروزه داریم ناشی از این است که روی رباخواری حساسیت لازم را نداریم مردمی که نسبت به ربا

حساسیت نشان ندهند خدا هم برکت را از آنها می‌گیرد. ما آن روابط غیرمحسوس و غیرآشکاری را که خدا در خلقتش دارد مورد غفلت قرار ندهیم. آن روابط وجود دارد و به صورت قطعی عمل می‌کند، نکته دیگری که می‌خواستیم عرض کنیم اثر اخلاقی و روانی این عملکرد است. عملکردی که بانکداری بدون ربا در شرایط کنونی دارد و بالاخره در مواردی ربا وجود دارد، باعث می‌شود مردم نسبت به ربا حساسیتشان را از دست بدهند. آن متدینین و مسلمانانی که نمازخوان هستند و ممکن است نماز شب هم بخوانند و از ربا هم پرهیز کنند، کم‌کم نسبت به ربا سست می‌شوند، زیرا می‌گویند یک نظام مقدسی که ما قبولش داریم این بانکداری را پیاده کرده که در آن ربا هست و به صورت جدی هم در صدد برطرف کردنش نیست پس معلوم می‌شود خیلی مهم نیست نتیجه‌اش این می‌شود که عقاید مردم نسبت به حرمت ربا سست می‌شود و رباخواری رواج پیدا می‌کند. من یقین دارم امروز رباخواری بیشتر از سابق رواج پیدا کرده، اگر لازم شد تحقیقات میدانی روی این مسأله می‌کنم. نکته دیگر این است که وقتی عملیات بانکی بدون ربا به این شکل درآمد و مردم برای نیازهای عادی و مصرفی خودشان از این سیستم استفاده کردند و اینطور نبود که لزوماً از یک فعالیت اقتصادی سود ببرند و بخشی از سود را به بانک برگردانند نتیجه آن افزایش تورم است. یعنی وقتی بانک درصدی بهره یا سود به صورت قطعی می‌گیرد کاری هم به فعالیت اقتصادی و سوددهی آن ندارد. نتیجه‌اش این است که بهره یا سود بانکی جزو هزینه تولید به حساب آورده می‌شود. دقت کنید روی این مسأله، سخن من اقتصادی است، جزء هزینه‌های تولیدی یکی پولی است که به مدیریت می‌دهد، یکی هم پولی است که به پول می‌دهد، یعنی نرخ سودی که از او مطالبه می‌شود و از پیش تعیین می‌گردد، آن را هم جز هزینه تولید به حساب می‌آورد مسلماً نتیجه‌اش این است که هزینه‌های تولیدی افزایش پیدا کند و تورم از راه افزایش هزینه تولید خودش را نشان دهد اما اگر گفتید ماکاری به هزینه‌های تولید نداریم از قبل هم تعیین سود قطعی نمی‌کنیم، ما نگاه می‌کنیم چقدر سود کرده‌ای بر اساس قرارداد، ده درصد، بیست درصد، پنجاه درصد آن را به ما بده. مسلماً مسأله متفاوت می‌شود. نکته دیگر این است که تصحیح کار بانکداری به آموزش بانکداری نیاز دارد. مسئولین بانک باید آموزش ببینند عامه مردم هم باید به صورت جدی آموزش ببینند و در مردم نسبت به ربا باید حساسیت ایجاد کرد. تقاضا می‌کنم نسبت به این مسأله صاحب‌نظران محترم، کارگزاران عزیز و مسئولین بانکی حساسیت لازم را نشان بدهند و به صورت جدی کار کنند. به امید اینکه انشا... سیستم بانکی ما سالمسازی و اصلاح بشود و در عین حال از زحماتی که مسئولین بانک کشیده‌اند و کارایی سیستم را بالا برده‌اند سپاسگزاری می‌کنم.

والسلام علیکم ورحمه... و برکاته